

امپراطوری عظیمی که در حال انفجار بود

همه قرآن خواهی میدانید که این کشور باید بزودی متلاشی گردد و بدست جمعیت صالحتری بیفتد

لا بد توجه دارید که بحث ما در بارهٔ علل پیشرفت اسلام از راه عوامل بیرون از قبیل - شرایط و مقتضیات زمان و مکان - بود. در این قسمت در استان و ایران را مورد بررسی قرار داده اینک «امپراطوری روم» که در آن زمان در اوج قدرت و شکوه بود را مورد بررسی قرار میدهیم :

امپراطوری روم که از آسیا تا به اروپا و آفریقا امتداد داشت و بسیاری از کشورهای نزدیک و همجوار عربستان مانند : مصر و شام و فلسطین و مراکش و حبشه و آسیایا و ... جزهٔ اقماری آن به شمار میرفتند. تا زمان امپراطوری «گوستائوس» که شهر قسطنطنیه - استانبول فعلی - را در نزدیکی شهر باستانی و بزرگسوی و پیمان نهاد و پایتخت امپراطوری خود را از شهر قدیمی «روم» به این دم نومه در کنار

مکتب اسلام

و همان شهر تاریخی و گنستا نیویول و ماسنا بول - بر پایتخت دیشرفن شد که یونان و ترکیه کنونی شام، فلسطین، مصر و قسمتهائی از آفریقا را در تصرف خود داشت و گنگه بیگانه به قلمرو پادشاهان ماسانی نیز تجاوز میکرد.

مکتب ظهور اسلام (قرن ششم و هفتم میلادی) امپراطوری روم کشورهای تابع آن، بشدنی گرفتار مشکلات و نابسامانیهای داخلی و خارجی بودند که انقلاب زلزله ای همچون اسلام که هم ریشه داد بود و هم همه جانبه کافی بود که آنها را ساقط کرده تودهٔ ملت را به خود جلب نماید.

اینک گوشه ای از اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی مذهبی و اخلاقی این امپراطوری عظیم را که در حال انحطاط بود، مورد بررسی قرار میدهیم تا روشن گردد چگونه شرایط زمانی و مکانی ایجاد میکرد که اسلام پس از دیگر مسالط حکمروائی این امپراطوری را جذب کند و بالاخره مرکز ثقل آن قسطنطنیه را پایتخت خود قرار دهد ؟

اوضاع سیاسی و حکومت روم

هر چه وسیع حکومت و وسعت ادارهٔ مملکت روم در آن زمانها بود، بزرگتر باطنی بود. نه جمهوری بود نه سلطنت بلکه امپراطوری بود که تعیین مرزها و نظام قوانین لازم و سهله مجلس همچون مجلس سنا صورت میگرفته است.

اما کم کم سنا اختیار خود را از دست داد و به شکل آبی در امپراطور امپراطور تصمیم میگرفت. سنا هم نمی باید آنرا تصویب کند و هر کسی را او بیفاز خود به دایه داری بر میگردید. سنا بیسی باید

در باره آن رأی دهد و ...

امپراطور در عین آنکه خود را منتخب از جامعه سنا میداشت مقام امپراطوری را و دایه ای الهی می پنداشت و هر کس خیال رقابت با امپراطور را در سر می بردارد، حاکم بقانون و محارب با خدا که

آن سمت را به او داده بود، شناخته میشد ! در اثر این ضرر تفکر چه جفاقتی که صورت میگرفت و چه خونبها که ریخته میشد و چه افرادی گناه که مقتول و بدار آویخته می شدند .

تاریخ نویسی معروف «آلبر ماله» در این باره چنین مینویسد : «طاعرا در دودۀ امپراطوری نیز مانند عصر جمهورییت، حکومت در دست ملت و سنا بود لیکن از اواخر جنگهای داخلی به بعد عادت بر این جاری شده بود که سنا برای اداره مملکت یک نفر عامل و حاکم فوق العاده را که «امپراطور» میخواندند، به یاری خویش بیابند ! بنا بر این میتوان گفت : در قرن اول میلاد، دولت امپراطوری یک قسم جمهوری آمیخته به سلطنت بود. امپراطور از طرف سنا انتخاب میشد، بر حسب پیشنهاد سنا ملت برای تمام عمر اختیارات مضموم و مختلف به او تفویض مینمود ...

تاریخ داخلی دولت امپراطوری بر است از تجاوزات استمراری امپراطوران به اختیارات مجلس سنا ... سنا حق وضع قوانین را هم عملاً از دست داده کار او منحصر به تصویب پیشنهاداتی که امپراطور میفرستاد، اختیارات قضائی سنا به حاکم سیر و رئیس قراولان خاصه رسید، امپراطور حق داشت شخصاً در هر کار که بخواهد مشاورت کند،

شروع بر منتهائی بوی تلقین نمود، و این عقیده را در او رسوخ داده بود که قدرت و ایاز جانب خدا است و بعین لحاظ در برابر او امر خود هیچگونه مقاومتی را روانداشته، و باران تسلطی خود حکومت میکرد، چنانکه خود او نوشته است: «بزرگوار و مقدس تر از ذات امپراطوری چیست؟ در سورتیکه علماء حقوق بوسیله دوش و سر بیخ، مقرر داشته اند که اراده امپراطور در حکم قانون میباشد، کیست که حق خود را نقض ساخته امر مقام امپراطور را اطاعت نکند... کار این امپراطوران، به جای رسیدن بود که حتی از مردم توقع داشته آنها را به عنوان «خدائی» پرستی کنند !!

دنیرو، در باره آنها مینویسد: «امپراطوران در تمامتی، مختصر احترامی برای سنا قائل میشدند اما بیرونی تقریباً آخرین نشانه های جمهوری هم در میان رفت. امپراطور صاحب اختیار مطلق و در مانور ای بی چون و چرا شد تقریباً يك خدا به شمار میرفت، که در دوران حیاتی مثل يك همه مدعاورد شایخ و پرستی واقع میشد و بعد از مرگ همه به سورت يك خدای واقعی درمی آمد» (۲)

این امپراطوران مضمی خدائی گویا تنها هدفشان کشور عثمانی و افزودن به قلمرو حکمرانی ایشان بود است. در این راه ملت هر گوی خسارات جانی و مالی میخواستند بیند و هر شوق شکنجه و عذاب میخواستند تحمل نمایند.

مورخان دربارهٔ دژوستین، که هنگام ظهور اسلام امپراطوری دریا به هم رسانده چینی مینویسند: او در طول حکومت ۳۸ ساله خود بیش از ۵۰ جنگ

(۲) نگاهی به تاریخ جهان ص ۱۶۳-۲۰۶

مردم همیشه میتوانستند از حکم سنا نرد امپراطور استیفاف دعوی نمایند، چون تقریباً همه عوائد دولت در عین ورود به خزانه عمومی به صندوق امپراطور منتقل میکردند، بیت المال از اهمیت افتاد... با آنکه سنا در امور دولتی و سیاسی مداخله نداشت، اعضای آن از رجال درجه اول مملکت و دارای عنوان و بسیار شریف و بزرگوارانه بودند و بعضی امتیازات فضائی و مالی بهره داشتند.

مثلاً امپراطور برخی از اعمال عالی رتبه را از بین ایشان انتخاب مینمود، مانند حاکم شهر و فرمانفرمایان ایالات و سرکردگی ژوونها و لشکرها و کوراتورها با تفار و بارسان این همه عمومی و غیره... اگر امپراطور صاحب اختیار مطلق شد واسطهٔ این بود که قوهٔ اصلی یعنی قشون را در دست داشت، فرمانده و رئیس عالی قوا بود، سر باران رومی بود و وفاداری بوی میوگند یاد میکردند تصویر او را در پیرقها نمایش میدادند، هر وقت یکی از امرا و سرداران روم فتح میکرد برای امپراطور جشن صرف برپا مینمودند.

بعهدا سرداران و سر باران همیشه مطیع نبودند و طعنان ایشان بر مراتب از سنا قورقها جملوا کتشی و طابان بود... (۱)

حکومت مطلقه

همین مورخ در جای دیگر تحت عنوان قوی در شرح حال دژوستی این را که همسر انوشیروان پادشاه ساسانی بوده چنین مینویسد: «تسخیر مغرب و استیلازی بقیان قوانین و ساختمان انبیا مجلل و باشکوه موجب سرافرازی دژوستی این گردیده»

(۱) تاریخ روم ص ۲۷۰-۲۷۴

بر مبنای استخوانها می شود و تریپن اسولین مقدار ویتامین B خون را پائین می آورد بنابراین غذاها و مکمل های غذایی که حاوی ویتامین ها و مواد معدنی هستند برای بیماران قندی لازم است .

ویتامینها احتیاج به انسولین را کم می کند
ویتامین B مقدار انسولین مورد لزوم را به حد کافی پائین می آورد و وضع عمومی بیمار را بطور فاحش بهبود می بخشد

بناوردگی چه بصورت دارو و چه با غذا و ویتامینهای گروه D, A, C, B برای بیماران سروری است از آنجائیکه یکی از عوارض شایع و خطرناک این بیماری ضعف جریان خون مخصوصا در رگهای بدن است بنابراین مصرف ویتامین B در جلو - گیری از این عارضه نقش مؤثری دارد

دیگر متاسفانه، از نوع های حیوانی که ماده و مقدار کمی روغن ماهی بدست.

تروی تقنین: غذای مطلوب برای بیماران قندی مواد پروتئین است. این مواد علاوه بر اینکه در بدن ایجاد نیرو می کنند می تواند اسانجی را که در اثر عدم توجه و عدم تشخیص و مداخله ب موقع تحلیل رفته است ترمیم نماید و بهترین دستور غذایی آنست که ۲۰ درصد از پروتئین بیماران قندی از مواد پروتئینی اخذ شود. البته اگر بیمار قادر بر ادرار و یا شیرده باشد پروتئین بیشتری لازم است. (گوشت منبع مواد پروتئینی است)

ویتامین ها: بیماران قندی بیش از سایر مردم به ویتامین B مرکب احتیاج دارند. در پیرهای مبتلا به بیماری قند از این رفته کالسيوم بدن باعث

تیمار سده ۲۶

در عیال بیماراردم گردیدند! (۲)
و بالاخره ما به طوریری م که با داد اداری، مالیات گراف، حقوق و مجازات عوسازانه ملوث شده بود نتوانستیم در بهانه های را که در ارد ساختن خرابیهای بسیار تصرف کرده بود راضی نگه داریم. پس از مرگ زوستی بین مردم راسی، قوانین حشن، خرابه نهی، اوضاع تحلیل رفته، خرابیهای ناشی از جنگهای بی دردی موجب انحلال امپراطوری افرام گردند. آفریقا، هند، جزایر رها شد سوریه، فلسطین، مصر، آفریقا و اسپانیا به دست اعراب افتاد و ایتالیا به تسلط امپرادها درآمد. طی يك قرن پس از مرگ او امپراطوری دم بیش از آنجه که در زمان زوستی - این بدست آورده بود از دست داد (۳)

(این بحث ادامه دارد)

گروه شورهای ریدان را خونریزی به چنگ آورد اما توانست آنها را آباد نگه دارد. در سال ۲۲۵ برای يك ستاره که پنج ساله ۲۰۰۰ ایبه طلا (۴۰۰۰۰ دلار) به نوسیروان پرداخته و در آنقضای پنج سال ۲۶۰۰ (بر دیگر برای پنج سال آمده بود) تأدیه کرد. سرانجام زوستی بین توافق کرده سال ۳۰۰۰۰ ایبه طلا (۷۰۰۰۰۰ دلار) به او بپردازد با آنکه در آغاز امپراطوری او جز پنجم دارای ۳۲۰۰۰۰ پوند طلا (۴۰۰۰۰۰ دلار) بود هنگام مرگش خرابه بکل حالی شده بود (۱)
عاقبت این جنگها این شد که امپراطوری دم صورت ویرانه ها گرفت چنانکه یکی از مردم آن زمان می نویسد این فضای وسیع تقریباً به کل از سنگه خالی شده بود زیرا بعضی در جنگ کشته شده، بعضی بواسطه طاعون و امراض که نتیجه جنگ است

(۱) تاریخ تمدن وبل دوران ج ۱ ص ۱۷۲-۲۴۸

(۲) تاریخ قرون وسطی ج ۱ ص ۶۷ (۳) تاریخ تمدن وبل دوران ج ۱ ص ۱۹۶-۱۹۷